

تاریخ کامل ایران

قبل از اسلام

حسن پیرنیا

بعد از اسلام

عباس اقبال آشتیانی

دوره پهلوی

پرویز بابایی



مؤسسه انتشارات نگاه

تاسیس: ۱۳۵۲

فهرست مطالب

تاریخ ایران قبل از اسلام (ایران قدیم) یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان

۲۱	مقدمه
۲۱	شکل جغرافیایی فلات ایران
۲۶	نژادها نژاد سفیدپوست - مردمان هندواروپایی
۲۷	آریان‌ها، شعه ایرانی آنها
۲۹	آمدن آریان‌ها به فلات ایران
۳۱	مذهب آریان‌ها و احلاق آنها
۳۲	حاجواده، طبقات، شکل حکومت
۳۵	مختصری از تاریخ عیلام
۳۵	مقدمه
۳۵	حدود عیلام
۳۶	نژاد
۳۶	زبان
۳۷	حطّ
۳۷	مذهب
۳۸	شهر شوش
۳۸	تقسیم گذشته‌های عیلام

۶۴	فصل اول شاهان ماد	۳۹	عیلام از زمان سیار قدیم تا ۲۲۲۵ ق م
۶۴	دیااگو و تأسیس دولت ماد	۳۹	سومری‌ها و اکدی‌ها
۶۵	فروزیش . . .	۴۰	مذهب
۶۵	هووخ‌شتر .	۴۱	پاتسی‌های سومری .
۶۷	لیدیہ . . .	۴۱	اکدی‌ها و سلسله سامی
۶۸	ایح توویگو	۴۲	قوت یافتن سومر .
۷۰	فصل دوم تمدن مادی	۴۳	انقراض دولت سومری نه دست عیلامی‌ها . .
۷۳	باب دوم دوره اول پارسی‌ها	۴۴	کارهایی که سومری‌ها برای شر کرده‌اند
۷۳	مقدمه	۴۴	اوضاع عیلام .
۷۴	هخامنش	۴۵	عیلام از ۲۲۲۵ تا ۷۴۵ ق م
۷۵	فصل اول شاهان هخامنشی	۴۵	بررگ شدن نابل . .
۷۵	اول کوروش بررگ	۴۵	سلسله اولی . . .
۷۵	حروح بر ایح توویگو	۴۷	سلسله سوم یا کاسی‌ها
۷۶	تسحیر لیدیہ	۴۸	سلسله چهارم یا پاش‌ها .
۷۸	تسحیر مستعمرات یونانی در آسیای صغیر	۴۸	سلسله ششم یا ناری‌ها .
۸۰	تسحیر ممالک شرقی	۴۸	عیلام از ۷۴۵ تا ۶۴۵ ق م . .
۸۰	تسحیر نابل	۴۸	در این دوره طرف عیلام آسور است
۸۳	حصال کوروش	۵۰	عهد سوم – آسور حدید
۸۴	دوم کموحیه .	۵۰	حگک‌های آسور با عیلام
۸۷	واقعۀ بردیای دروعی .	۵۲	آسوریانی پال و حگک‌های او
۸۹	سوم داریوش اول (بررگ)	۵۴	انقراض عیلام .
۹۲	تشکیلات داریوش	۵۵	حاتمه
۹۴	تسحیر پنجاب و سند . . .	۵۶	تاریخ آریان‌های ایرانی
۹۵	لشکرکشی نه اروپا – تسحیر تراکیه و مقدونی	۵۶	مقدمه . . .
۹۶	حگک نا یونان	۵۸	یونانی‌های قدیم که راجع به تاریخ ایران آثاری از خود گذاشته‌اند
۱۰	حصال داریوش .	۶۱	باب اول دوره مادی
۱۰	چهارم حشیارشا . . .	۶۱	مقدمه . . .
۱۰	جهات عدم پیشرفت ایران در این حگک		
۱۰	حصایل حشیارشا . . .		

۱۳۷	باب سوم . دورهٔ مقدونی و یونانی — اسکندر و سلوکی‌ها	۱۰۷	پنجم اردشیر اول / اَزَت حُشْتَر
۱۳۷	فصل اوّل فتوحات اسکندر بعد از فوت داریوش سوم	۱۰۸	ششم حِشیاوَشای دوم
۱۳۷	تسحیر ممالک شرقی ایران ..	۱۰۸	هفتم سُعَلیانُش
۱۳۸	سفر جنگی به همد	۱۰۹	هشتم داریوش دوم
۱۳۹	مراجعت اسکندر به ایران و فوت او	۱۱۰	نهم اردشیر دوم / اَزَت حُشْتَر
۱۴۰	فصل دوم طرز رفتار اسکندر — کارهای او	۱۱۳	دهم اردشیر سوم
۱۴۳	فصل سوم حاشیان اسکندر — سلوکی	۱۱۴	یازدهم اَرَشْکُ
۱۴۶	باب چهارم دورهٔ پارتی‌ها	۱۱۴	دوازدهم داریوش سوم
۱۴۶	فصل اوّل پارتی‌ها و شاهان اشکانی	۱۱۵	فصل دوم قشون‌کشی اسکندر به ایران و انقراض سلسلهٔ هخامنشی
۱۴۶	پارت یعنی حراسان کبوی	۱۱۵	مقدمه
۱۴۷	اشک ۱ اَرَشْکِ اوّل	۱۱۶	حنگ گرابیک
۱۴۷	اشک ۲. تیرداد اوّل	۱۱۸	حنگ ایسوس (۳۳۳ ق م)
۱۴۸	اشک ۳ اَرْدَوان اوّل	۱۱۹	حنگ گوگامیل
۱۴۸	اشک ۴ فری یاپیث	۱۲۲	فصل سوم تمدن ایران در دورهٔ هخامنشی
۱۴۹	اشک ۵ فرهاد اوّل	۱۲۲	وسعت دولت هخامنشی
۱۴۹	اشک ۶. مهرداد اوّل (۱۷۰-۱۳۸ ق م)	۱۲۳	تشکیلات
۱۴۹	اشک ۷ فرهاد دوم	۱۲۴	داوری و محاربات‌ها
۱۵۰	اشک ۸ اردوان دوم	۱۲۵	سپاه
۱۵۱	اشک ۹ مهرداد دوّم / بزرگ	۱۲۶	مذهب
۱۵۱	ارمستان	۱۲۷	طبقات
۱۵۲	آسیای صغیر	۱۲۸	صایع
۱۵۲	بحستین ارتباط ایران با روم	۱۳۰	آثار دورهٔ هخامنشی
۱۵۳	اشک ۱۰ سَنَدروگ	۱۳۰	پاسارگاد
۱۵۴	اشک ۱۱ فرهاد سوم (۶۹-۶۰ ق م)	۱۳۰	تحت‌حمشید
۱۵۴	اشک ۱۲ مهرداد سوم	۱۳۱	نقش رستم
۱۵۵	اشک ۱۳. اَرْد اوّل (۵۵-۳۷ ق م)	۱۳۱	شوش
۱۵۸	حَزان و ماراتن	۱۳۲	سروستان و فیروزآباد
۱۵۸	اشک ۱۴ فرهاد چهارم	۱۳۲	رنا و حطّ
۱۵۸	حنگ دوم با روم	۱۳۳	کتیبه‌ها

۱۸۴	حنگ اول ناروم . . .	۱۶۰	حنگ سوم ناروم
۱۸۴	حنگ دوم - اسارت والرین .	۱۶۲	ارمستان . . .
۱۸۶	کارهای شاپور در هنگام صلح .	۱۶۲	اشک ۱۵ فرهاد پنجم
۱۸۶	سوم هرمز اول (اَنُوهُزْمَرْد)	۱۶۲	اشک ۱۶ اُزْد دوم .
۱۸۷	چهارم بهرام اول (وَرَهْرَان)	۱۶۳	اشک ۱۷ وانا . . .
۱۸۷	پنجم بهرام دوم (وَرَهْرَان)	۱۶۳	اشک ۱۸ اردوان سوم
۱۸۸	ششم بهرام سوم (وَرَهْرَان)	۱۶۴	اشک‌های ۱۹، ۲۰، ۲۱. واردان، گودزُر، وانا دوم
۱۸۸	هفتم برسی (بُرسیه)	۱۶۴	اشک ۲۲ بلاش اول . . .
۱۹۰	هشتم هرمز دوم (اَنُوهُزْمَرْد)	۱۶۵	تاحگذاری تیرداد در روم .
۱۹۰	نهم آذر برسی (اَدَز بُرسیه)	۱۶۶	بلاش، پاکز دوم، اُزْدوان چهارم . . .
۱۹۱	دهم شاپور دوم (شاه پُوهُز) / بررگ	۱۶۷	اشک ۲۳ خسرو (۱۰۷-۱۳۳ م) . . .
۱۹۱	حنگ اول ناروم . . .	۱۶۹	اشک‌های ۲۴ و ۲۵ بلاش دوم و بلاش سوم
۱۹۲	حنگ دوم ناروم (۳۵۹-۳۶۳ م)	۱۶۹	اشک ۲۶. بلاش چهارم
۱۹۵	یازدهم اردشیر دوم (اَزْت حَشْتَر)	۱۷۰	اشک ۲۷ و ۲۸ بلاش پنجم و اردوان پنجم
۱۹۵	دوازدهم شاپور سوم (شاه پور)		
۱۹۶	سیزدهم بهرام چهارم (وَرَهْرَان)	۱۷۲	فصل دوم. اوضاع ایران در دوره پارتی‌ها - تمدن اشکانی
۱۹۷	چهاردهم یردگرد اول (بِرْدِگَرْت)	۱۷۲	سط دولت اشکانی .
۱۹۸	پانزدهم بهرام پنجم (گور)	۱۷۳	تشکیلات دولت اشکانی
۱۹۹	حنگ ناروم شرقی	۱۷۴	مذهب
۲۰۰	شانزدهم یردگرد دوم (بِرْدِگَرْت)	۱۷۵	ربان و حط
۲۰۱	هفدهم هرمز سوم (اَسُوهُزْمَرْد)	۱۷۶	صایع و فمون
۲۰۱	هیجدهم فیروز اول (پیروز)	۱۷۷	تجارت . . .
۲۰۲	حنگ‌های هیاطله .	۱۷۸	مسکوکات
۲۰۳	نوزدهم بلاش (وَلْگاش) . . .	۱۷۸	مذاهب خارجه
۲۰۴	بیستم قباد اول (کَوَاث)	۱۷۹	نتیجه . . .
۲۰۴	پیدایش مَرْدَک، حلع قباد و نارگشت او به سلطت		
۲۰۵	حنگ نابیرانس	۱۸۰	ناب پنجم دوره دوم پارسی‌ها .
۲۰۶	حنگ دوم نابیرانس	۱۸۰	فصل اول شاهان ساسانی
۲۰۷	مردکی‌ها	۱۸۰	مقدمه .
۲۰۸	بیست و یکم خسرو اول ابوشیروان عادل (حُشْرَاو اوشک زَبَان)	۱۸۰	اول اردشیر اول (اَزْت حَشْتَر) .
۲۰۸	سیاست داخلی .	۱۸۳	دوم شاپور اول (شاه پُوهُز)

۲۳۴	سلسله ساسانی پس از فوت یردگرد	۲۰۹	سیاست خارجه
۲۳۴	ایران پس از جنگ نهاوند	۲۱۰	جنگ اول با بئراس
		۲۱۱	جنگ برای لاریکا
۲۳۶	فصل دوم تمدن ایران در دوره ساسانی	۲۱۲	جنگ ناهیاطله
۲۳۶	مبحث اول طبقات، تشکیلات، مسکوکات، تجارت، روابط خارجه	۲۱۲	جنگ ناجررها
۲۳۶	طبقات	۲۱۳	دست شناندگی یمس
۲۳۸	تشکیلات اداری	۲۱۳	جنگ با ترکها . . .
۲۳۹	مالیه	۲۱۴	جنگ سوم با بئراس (۵۷۲-۵۷۹ م)
۲۴۰	لشگر	۲۱۵	حصال ابوشیروان
۲۴۱	داوری	۲۱۶	بیست و دوم هرمز چهارم (آهوژمرد)
۲۴۳	چاپارحابهها	۲۱۸	بیست و سوم خسرو دوم معروف به خسرو پرویز (جشراؤ آپزویر)
۲۴۳	روحانیون	۲۱۸	جنگهای خسرو پرویز با بئراس
۲۴۴	مسکوکات ساسانی	۲۲۰	جنگهای هرقل
۲۴۵	ذخیره نقدی حرابه	۲۲۱	محاصره قسطنطیه
۲۴۵	حرف و تجارت	۲۲۱	جنگ دشتگرد (در سال ۶۲۷ م)
۲۴۶	روابط ایران با دول خارجه	۲۲۱	حلج و قتل خسرو پرویز
		۲۲۲	حصایل خسرو پرویز
۲۴۸	مبحث دوم مذاهب در دوره ساسانی	۲۲۳	بیست و چهارم قباد دوم (کوات)
۲۴۸	مذهب ررتشتی	۲۲۴	بیست و پنجم اردشیر سوم (آزت جشتر)
۲۴۸	رمان پیدایش ررتشت	۲۲۴	بیست و ششم الی سی و چهارم رمان هرح و مرچ
۲۴۹	رندگانی ررتشت	۲۲۵	سی و پنجم یردگرد سوم (یرد کزت).
۲۵۰	آیین ررتشت		بهبخت عرب به طرف ایران.
۲۵۳	مذهب مانی	۲۲۶	مقدمه
۲۵۵	مذهب مزدک	۲۲۶	جنگ دوقار
۲۵۶	قسمت دوم مهرپرستی	۲۲۷	جنگ ربحیر
۲۵۷	مذهب عیسوی و بودایی	۲۲۸	جنگ پل (۱۳ هجری)
۲۵۷	مذهب عیسوی	۲۲۹	جنگ قادسیه و تصرف مداین (۱۴ هجری = ۶۳۶ م)
۲۵۸	مذهب بودایی	۲۳۰	جنگ حلولاء
۲۵۸	معتقدات آریانهای ایرانی از نظر تاریخ	۲۳۱	جنگ نهاوند (۲۱ هجری = ۶۴۲ م)
		۲۳۲	تسحیر ایالات ایران و فوت یردگرد
۲۵۸		۲۳۳	

تاریخ ایران پس از اسلام
(از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه)

و
دوره پهلوی

بخش اول از صدر اسلام تا معول
قسمت اول . تاریخ اسلام

۲۹۹	فصل اول عربستان و قوم عرب
	حریره العرب، ۱- عرب نایده، ۲- عرب قحطانیه ۳- عرب اسماعیلیه یا مستعربه، آداب و ادیان عرب قل از ظهور اسلام
۳۱۹	فصل دوم ظهور اسلام
۳۱۹	سیرت حضرت رسول
۳۳۲	فصل سوم خلفای راشدین
	مسأله خلافت، خلافت ابوبکر، خلافت عمر بن الخطاب، خلافت عثمان، خلافت علی بن ابی طالب، خلافت امام حسن، اسامی و مدت خلافت خلفای راشدین
۳۵۵	فصل چهارم خلفای اموی (۴۱ - ۱۳۲ هجرت)
	وقایع داخلی، وقایع خارجی، اسامی و مدت خلافت خلفای امویان
۳۶۴	فصل پنجم خلافت نبی عباس
	نبی امیه و موالی، خلافت سفاح، خلافت ابو جعفر منصور، خلافت مهدی و خلافت هادی، خلافت هارون الرشید، خلافت امین، خلافت مأمون، خلافت معتصم، خلفای دیگر، اسامی خلفای عباسی و رمان خلافت هریک

۲۶۰	مبحث سوم اخلاق - محارزاتها
۲۶۰	اخلاق .
۲۶۱	محارزاتها ..
۲۶۳	مبحث چهارم زبان، کتب پهلوی، ادبیات، خط، تاریخ
۲۶۳	زبان - کتب پهلوی.
۲۶۵	ادبیات
۲۶۶	خط دوره ساسانی
۲۶۷	تاریخ
۲۶۸	مبحث پنجم صنایع
۲۶۸	معماری و حکاری
۲۷۱	کتیبه های ساسانی
۲۷۲	نقاشی
۲۷۲	شعر .
۲۷۲	موسیقی
۲۷۲	زبانها و خطوط ایران قدیم
۲۷۳	دوم - خطوط
۲۷۵	خاتمه
۲۷۵	یک نظر احتمالی به چهارده قرن ایران باستان .
۲۷۷	کارهایی که آریان های ایرانی برای تمدن نشر کرده اند
۲۸۱	صمیمه
۲۸۱	فهرست سلسله هایی که در ایران قدیم سلطنت کرده اند
۲۸۱	اسامی شاهان، وقایع مهم، دوره ها و سلطنتها .

قسمت دوم. تاریخ ایران بعد از اسلام

مقدمه

۳۸۵

فصل اول طاهریان و علویان طبرستان

۳۸۷

الف - طاهریان، ۱ - طاهربن حسین، ۲ - طلحة بن طاهر، ۳ - عبدالله بن طاهر، ۴ - طاهربن عبدالله، ۵ - محمد بن طاهر، اسامی امرای طاهری و رمان امارت هریک، ب - علویان طبرستان، ۱ - حسن بن رید داعی کبیر، ۲ - محمد بن رید داعی، ۳ - حسن بن علی ناصر کبیر، ۴ - حسن بن قاسم داعی صغیر، اسامی سادات علوی طبرستان و رمان امارت هریک

فصل دوم دیالمة آل ریاری

۴۰۱

سررمین دیلم، ۱ - مرد آویج بن ریاری؛ ۲ - وشمگیر بن ریاری، ۳ - بهستون وشمگیر، ۴ - شمس المعالی قانوس بن وشمگیر؛ ۵ - فلک المعالی موجهر، ۶ - نوشیروان بن فلک المعالی، اسامی امرای ریاری و رمان امارت هریک

فصل سوم دیالمة آل نویه

۴۲۱

پسران نویه ماهیگیر، الف - دیالمة فارس، ۱ - عصدالدوله بن رکنالدوله؛ ۲ - شرفالدوله، ۳ - بهاءالدوله، ۴ - سلطانالدوله، ۵ - ابوالیحار مرریان؛ ۶ - ملک رحیم؛ ب - دیالمة عراق و حورستان و کرمان، ح - دیالمة ری و همدان و اصفهان، ۱ - مؤیدالدوله، ۲ - فخرالدوله، ۳ - محمدالدوله، ۴ - شمسالدوله، ۵ - سماءالدوله، اسامی امرای آل نویه و رمان امارت هریک

فصل چهارم صفاریان

۴۵۲

سیستان پیش از قیام یعقوب، ۱ - یعقوب بن لیث، ۲ - عمرو بن لیث، ۳ - ابوالحسن طاهربن محمد بن عمرو بن لیث، ۴ - لیث بن علی بن لیث، ۵ - ابوعلی محمد بن علی بن لیث؛ امرادگان دیگر صفاری، اسامی امرای صفاری و رمان امارت هریک

۴۷۸

فصل پنجم سامانیان

ابتدای امر سامانیان، ۱ - اسماعیل بن احمد، امیر عادل، ۲ - ابوبصر احمد بن اسماعیل، ۳ - نصر بن احمد، ۴ - نوح بن نصر، ۵ - ابوالفوارس عبدالملک بن نوح، ۶ - ابوالصالح منصور بن نوح، ۷ - ابوالقاسم نوح بن منصور، ۸ - ابوالحارث منصور بن نوح، ۹ - ابوالفوارس عبدالملک بن نوح، اسامی امرای سامانی و رمان امارت هریک

فصل ششم عربویان

۵۰۳

ابتدای امر عربویان، ۱ - ابوالقاسم محمود بن سکتکین، ۲ - سلطان محمد بن محمود، ۳ - سلطان مسعود بن محمود، ۴ - سلطان مودود بن مسعود، ۵ و ۶ - علی بن مسعود و مسعود مودود، ۷ - عبدالرشید بن محمود بن سکتکین، ۸ - فرحزاد بن مسعود بن محمود، ۹ - طهیرالدوله ابراهیم برادر فرحزاد، ۱۰ - علاءالدوله مسعود بن ابراهیم، ۱۱ - ارسلان شاه پسر مسعود سوم، ۱۲ - یمینالدوله بهرام شاه بن مسعود، ۱۳ - تاحالدوله خسرو شاه بن بهرام شاه، ۱۴ - سراجالدوله خسرو ملک بن خسرو شاه، اسامی امرای عربوی و ایام امارت هریک

فصل هفتم سلاطین عور

۵۳۳

عور و حال و فیروزکوه، ۱ - سیفالدین سوری، ۲ - علاءالدین حسین جهاسور، ۳ - سیفالدین محمد بن علاءالدین حسین؛ ۴ - عیثالدین ابوالفتح محمد بن سام، ۵ - معزالدین محمد بن سام، ۶ - عیثالدین محمود بن عیثالدین محمد، ۷ و ۸ - بهاءالدین سام و علاءالدین اتسر؛ ۹ - علاءالدین محمد بن شجاعالدین علی، اسامی ملوک عور و ایام امارت هریک

فصل هشتم سلاطین سلجوقی

۵۴۷

اصل و سب سلاحه، ۱ - رکنالدین ابوطالب طغرل بن میکائیل بن سلجوق؛ ۲ - عصدالدوله محمد بن ارسلان بن جعری، ۳ - حلالالدین ابوالفتح حسن ملکشاه، ۴ - رکنالدین ابوالمظفر برکیارق، تحریر دولت سلجوقی، ۵ - عیثالدین ابوشجاع محمد، ۶ - سلطان معزالدین ابوالحارث احمد سحر، الف - دوره امارت سحر، ب - دوره سلطنت سحر، ۷ - معیثالدین ابوالقاسم محمود بن محمد، ۸ - عیثالدین داوود بن محمود، ۹ - رکنالدین ابوطالب طغرل بن محمد، ۱۰ - عیثالدین ابوالفتح مسعود بن محمد، ۱۱ - معزالدین ابوالفتح ملکشاه بن محمود، ۱۲ - عیثالدین ابوشجاع محمد بن محمود بن محمد، ۱۳ - عیثالدین ابوالفتح سلیمان شاه بن سلطان محمد، ۱۴ - رکنالدین ابوالمظفر ارسلان شاه بن طغرل، ۱۵ - رکنالدین ابوطالب طغرل بن ارسلان شاه، اسامی سلاطین سلجوقی و رمان هریک

فصل نهم اتانکان و حواریان مشاهیان

۶۰۸

الف - اتانکان آذربایجان، ۱ - شمسالدین ابوبکر ایلدگر؛ ۲ - نصرتالدین ابوجعفر محمد جهان پهلوان، ۳ - مظفرالدین عثمان قرل ارسلان، ۴ - نصرتالدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان، ۵ - مظفرالدین اوربک، ۶ - اتانک خاموش قرل ارسلان اوربک، اسامی اتانکان آذربایجان و رمان هریک، ب - حواریان مشاهیان، ۱ - قطبالدین محمد بن ابوشکتکین، ۲ - علاءالدوله ابوالمظفر اتسر بن قطبالدین محمد، ۳ - تاحالدین ابوالفتح ایل ارسلان بن اتسر؛ ۴ - حلالالدین محمود سلطانشاه

ایل ارسلان، ۵ - علاءالدین تکشس ایل ارسلان، ۶ - علاءالدین محمدس علاءالدین تکش، ۷ -
حلالالدین مکرینی، اسامی حواری مشاهیان و رمان هریک

بخش دوم از معول تا انقراض قاجاریه
قسمت اول . تاریخ ایران قبل از صفویه

فصل اول استیلای معول	۶۳۵
اقوام ترک و معول	۶۳۵
فصل دوم سیاست و آداب معول	۶۶۳
حکمت تاریخ در ناب چنگیر	۶۶۳
فصل سوم سلطت حاشیان چنگیر تا ایام فرماندهی هولگو	۶۷۴
سلطت سلطان حلالالدین مکرینی، پادشاهی اوگتای قاآن، سلطت گیوک حان، سلطت شعه دوم حاندان چنگیری مگوقاآن	۶۷۴
فصل چهارم لشکرکشی هولگو به ایران و انقراض خلافت عباسی	۶۹۳
مأموریت هولگو و دفع اسماعیلیه، فتح بغداد و انقراض خلافت عباسی	۶۹۳
فصل پنجم سلاطین معول ایران یا ایلخانان	۷۰۴
سلطت اناقاجان، سلطت سلطان احمد تگودار، سلطت ارغونجان، سلطت گیجاتو، سلطت نایندو	۷۰۴
فصل ششم سلطت ایلخانان مسلمان	۷۱۶
۱- سلطت سلطان محمود عاران، ۲- سلطت محمد حداسده اولحایتو، ۳- سلطان اوسعید بهادرخان، ایلخانان آجری، فهرست اسامی ایلخانان ایران	۷۱۶
فصل هفتم فترت بین دوره ایلجانی و دوره تیموری	۷۵۴
۱- ملوک کرت، اسامی ملوک آل کرت و ایام هریک؛ ۲- اتانکان فارس، اسامی اتانکان فارس و ایام هریک، ۳- قراحتاییان کرمان، اسامی قراحتاییان کرمان و ایام هریک، ۴- حاندان ایجو و آل مظفر، اسامی سلاطین آل مظفر و رمان هریک، ۴- امرای لرستان، اسامی اتانکان لر سررگ، ۵- چوپاییان، امرای چوپایی، ۶- امرای ایلکانی یا آل حلایر، ۷- سربداران و طعاتیموریه، اسامی امرای سربداری و ایام هریک، اسامی امرای طعاتیموری و ایام هریک	۷۵۴ ۸۰۱

فصل هشتم تمدن و معارف و صنایع در عصر استیلای معول	۸۰۳
بررگان این دوره، ۱- مورّحین و نویسندگان؛ ۲- علما و عرفا و حکما؛ ۳- شعرا؛ صنایع و اسیه و آثار؛ معماری و اسیه	۸۰۳
فصل نهم ظهور امیر تیمور و تشکیل سلسله گورکانیان	۸۱۳
اوضاع ماوراءالنهر مقارن ظهور امیر تیمور	۸۱۳
فصل دهم حاشیان تیمور	۸۲۹
۱ و ۲- سلطان حلیل و شاهرخ؛ ۳ و ۴- میرزا علاءالدوله و میرزا الع بیگ؛ ۵- عبداللطیف؛ ۶- میرزا عدالله؛ ۷- میرزا ناز؛ ۸- سلطان اوسعید؛ شاهرادگان دیگر تیموری؛ اسامی امرای تیموری و رمان هریک	۸۲۹
فصل یازدهم ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو	۸۳۷
الف - امرای قراقویونلو؛ ۱- قرایوسف قرامحمد؛ ۲- اسکندرس قرایوسف؛ ۳- جهانشاهس قرایوسف؛ ۴- حسعلی میرزا، اسامی امرای قراقویونلو و رمان هریک؛ ب - امرای آق قویونلو؛ ۱- امیرحس بیگس علیس قراعثمان؛ ۲ و ۳- سلطان حلیل و یعقوب بیگ؛ امرای دیگر آق قویونلو؛ اسامی امرای آق قویونلو و ایام هریک	۸۳۷ ۸۴۳
فصل دوازدهم اصل و نسب و ابتدای کار صفویه	۸۴۵
سلطت شاه طهماسب اول؛ سلطت شاه اسماعیل دوم؛ سلطان محمد حداسده	۸۴۵
فصل سیزدهم سلطت شاه عباس بزرگ	۸۵۸
فصل چهاردهم سلاطین آجری صفوی	۸۷۲
سلطت شاه صفی؛ سلطت شاه عباس دوم؛ سلطت شاه سلیمان؛ پادشاهی شاه سلطان حسین؛ سلطت شاه طهماسب دوم؛ اسامی پادشاهان صفوی و ایام هریک	۸۷۲
فصل پانزدهم سلسله افشاریه	۸۸۸
ظهور نادر؛ سلطت علیشاه و ابراهیم شاه و شاهرخ؛ اسامی سلاطین افشاریه و مدت هریک	۸۸۸
فصل شانزدهم سلسله ربدیه	۹۱۲
اوضاع ایران مقارن ظهور کریم خان؛ سلطت کریم خان، نارماندگان کریم خان؛ پادشاهی لطفعلی خان؛ اسامی پادشاهان ربد و مدت هریک	۹۱۲

- ۹۲۶ فصل هفدهم سلسله قاجاریه
ابتدای کار قاجاریه؛ سلطت فتحعلی شاه؛ دوره اول جنگ‌های روس و ایران، دوره دوم جنگ‌های ایران و روس، سلطت محمدشاه
- ۹۸۰ فصل هجدهم سلسله قاجاریه (نقیه)
سلطت ناصرالدین شاه؛ سلطت مظفردالدین شاه
- ۱۰۰۸ فصل نوزدهم مشروطیت ایران
سلطت محمدعلی شاه؛ سلطت احمدشاه
- ۱۰۱۹ فصل بیستم دوره پهلوی
۱ رضاشاه، انقراض قاجاریه و سلطت رضاحان سردار سپه؛ تشدید دیکتاتوری رضاشاه؛ ۲ محمدرضا پهلوی، مطرّه عمومی کشور پس از کناره‌گیری رضاشاه؛ حشش ملی کردن نفت؛ تشکیل بهصت مقاومت ملی
- ۱۰۸۱ نمایه (تاریخ ایران قبل از اسلام)
- ۱۰۸۷ نمایه (تاریخ ایران پس از اسلام)

مقدمه

شکل جغرافیایی فلات ایران

مملکتی که ما آن را ایران می‌نامیم قسمت اعظم سرزمین وسیعی است که در جغرافیا موسوم به فلات ایران است این مرز و بوم پهناور، شامل حلگه وسیع و بلندی است که از هر طرف کوه‌های بلند آن را احاطه دارد در مشرق، سه رشته کوه متواری که معروف به کوه‌های سلیمان است در شمال کوه‌های البر که مانند رنجیری از شرق به غرب امتداد یافته، این کوه‌ها در غرب از کوه‌های ارمستان جدا شده و از حوض دریای حرر گذشته به واسطه کوه نانا به هندوگه پیوسته و این هم به هیمالایا بلندترین کوه‌های عالم متصل است در معرف فلات کوه‌های کردستان یا راگروس^۱ واقع است که از شمال به حوض رفته و بعد به طرف حوض و شرق برگشته به دریای عمان می‌رسد

کوه‌های حوض و مشرق از مواد آهکی است^۲ در کوه‌های غربی نزدیک دریاچه اورمی^۳ سنگ حارا بیر دیده می‌شود بصری از کوه‌های شمال از مواد آتشفشانی ترکیب یافته یعنی مواد آنها از قعر زمین بیرون آمده، مانند دماوند در نزدیکی تهران و سلان در آذربایجان، این آتشفشان‌ها، اکنون خاموش است

اعلا درجه بلندی فلات ایران در حوض آن و سرایشی فلات از حوض به شمال است،

۱ اروپایی‌ها چنین نامند
۲ یعنی از عصر سوم معرف الارضی
۳ اسم این دریاچه را جغرافیون عرب و عبره ارومیه صط کرده و در روایات قدیمه ما آن را چی چست یا چی کست نامیده‌اند

ریرا در کرمان ارتفاع آن تقریباً ۱۶۰۰ متر است و حال آن که در مشهد از ۱۰۵۰ و در تبریز از ۱۲۰۰ تجاوز نمی‌کند^۱

مساحت فلات ایران دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع یا تقریباً پنجاه و پنج هزار فرسوخ مرتع می‌باشد^۲ ایران امروزی از این مساحت دارای شصت و سه درصد یا تقریباً دو ثلث ارکّل است و آنچه ناقلی می‌ماند متعلق به ممالکی است مانند افغانستان و بلوچستان و غیره که در اثر حوادث تاریخی از اوایل قرن سیزدهم هجری متدرجاً از ایران جدا شده‌اند آب و هوای فلات ایران خشک است بخصوص در قسمت مرکزی آن که موسوم به کویر لوت و یکی از گرم‌ترین جاهای دنیا است نه استثنای گیلان و مازندران و سواحل خلیج فارس که نازندگی در آنها زیاد است در سایر نقاط ایران مجموع مقدار باران در عرض سال تقریباً از سه گره و نیم تا چهار گره و نیم تجاوز نمی‌کند^۳ در شمال ایران ناهای باران آور زیاد می‌ورد ولی وقتی که نه کوه‌های بلند البرز بر می‌حورد غالباً نه طرف حوض آن تجاوز نمی‌کند از این جهت در گیلان و مازندران نازندگی زیاد می‌شود در صورتی که صفحات حوضی این کوه خشک است ناهایی که در ایران می‌ورد از دو سمت است شمال غربی و حوض شرقی اولی از اثر ناهای تند شمال آمریکا است که از اقیانوس اطلس عبور کرده از راه دریای معرب^۴ نه شامات و آسیای صغیر می‌رسد و از آنجا نه ایران و هند می‌گذرد دومی از اقیانوس هند تولید شده نه طرف ایران می‌ورد. علت این که جهت این ناهای تغییر نمی‌کند از این حاست که ناهای مذکور ناید از دالان تنگ سلسله‌های حمال نگردد و ندیهی است که کوه‌ها حا و جهت عوض نمی‌کند در بعضی از قسمت‌های ایران ناهای مانند ناد ۱۲۰ روره سیستان ورش مطّم و تند دارد در وسط فلات ایران کویری است که اهالی حوضی آن را لوت می‌نامند و ساو خود این که پست‌ترین قسمت فلات ایران است نازندیش نه ۶۰۹ متر می‌رسد عبور از کویر برای کاروان‌ها از جهت ناتلاق‌ها و ریگ روان خطرناک می‌باشد در فلات ایران رودی که قابل کشتی‌رانی باشد محصر نه کاروان است رود مرور که از کوه‌های بختیاری شروع می‌شود در

۱ مر، معادل یک گز از مقادیر حدید نا پانزده گره و شش عشر است

۲ کیلومتر معادل یک مل از مقادیر حدید یا ۹۷۵ درع است ۳ از ۲۲ الی ۲۸ سانتی‌متر

۴ مدیترانه را در ایران بعضی دریای سفید یا بحر اصص می‌نامند ولیکن این اسم در جغرافیا نه دریای سفید که نا اقیانوس محمد شمالی مربوط است اطلاق شده، دریای مدیترانه را اکثر ملل از جهت موقع آن در میان سه قاره دریای «مان رمن» نامده‌اند ولی چون این اسم مأنوس نست لاند ناند آن را مانند فدا دریای معرب یا روم نامید در این کتاب اسم اولی احیار شده

حورستان جاری است و نه شط‌العرب می‌ریرد رودهای دیگر از این قرار است در شمال آرس و سرحد رود یا قزل‌اُورن (که پس از این که نه شاهرود پیوست سفیدرودش نامند) و اترک این سه رود نه دریای حرر می‌ریرد در اصفهان رابنده رود که در ناتلاقی گم می‌شود در طرف مشرق مرعاب و هریرود که در صحرای ترکمن فرود می‌روند در سیستان هیلمد (یا هیرمند) و در حدّ شمالی شرقی فلات ایران رود بزرگ آمویه که از ندحشان شروع شده نه دریای آرال می‌ریرد^۱ فلات ایران دارای چند دریاچه است و علماء معرفت‌الارض آن‌ها را ناقلی مانده دریایی می‌دانند که وقتی قسمت اعظم فلات ایران را در ریر خود داشته دریاچه‌های مرور از قرار دیل است در شمال و غرب فلات و صفحات محاور آن دریاچه اورومیه در طرف غربی آذربایجان و دریاچه وان در ترکیه در ۱۵ فرسخی حدود ایران و دریاچه گی‌چای در قفقاریه مهم‌ترین این‌ها دریاچه ارومیه است که عمق آن پانزده درع و آب آن حیلی شور و تقریباً در ارتفاع هزار متر از سطح دریای اقیانوسی واقع است^۲ در پارس دو دریاچه مهارلو^۳ و بربیر^۴ در سیستان دریاچه هامون که فاصلاب آن در سال‌هایی که نازندگی می‌شود نه گود (رزه) می‌ریرد، در کرمان هامون دیگری است موسوم نه نمک‌زار (بعضی اسم این دریاچه را خرْمریان نوشته‌اند) آب دورود کوچک نمپور و هلیل نه این هامون می‌ریرد بین طهران و قم دریاچه قم یا حوص سلطان

از طرف شمال چنان که گفته شد فلات ایران نه دریای حرر محدود است این اسم نه ماسست مردمانی است که موسوم نه حرر بوده و در کنار شمال غربی این دریا قروبی نه سر برده‌اند^۵ این دریا از حیث عمق نه سه قسمت تقسیم شده و گودترین جاهای آن در قسمت حوضی است ریرا شمال دریا از جهت لای رود بزرگ ادیل (ولگا) نه دریا می‌ریرد کم عمق

۱ اس رود در زمان اسکندرنه دریای حرر می‌ریحنه و سفاین بحارتی از آمویه نه دریای مرور و از اس راه نه رود (کوروش) یا کورای کوبی (در قفقاریه) می‌رفته بعد اس رود محرای خود را بعیر داده و آب خود را نه دریای آرال ریحنه، در ۱۲۲۰ میلادی معلول‌ها برای حراب کردن (اُرگج) پایتحت حوارم آب رود را نه طرف شهر مرور بردند و در نتحه آمویه نه محرای سابق افناد و تقریباً سه قرن این محررا را می‌پیمود ولی بعد ناز تغییر محررا داده نه طرف ریای آرال رفت چنان که حالا هم نه این حال ناقلی است چون دریاچه آرال را در جغرافیا دریا گنه‌اند مؤلف هم دریا نوشته

۲ دریای اقیانوسی بعضی دریایی که نا اقیانوس مرط است مانند خلیج پارس و غیره

۳ بعضی محلو نوشته‌اند ۴ دریاچه سرب نه بحگان هم معروف است

۵ اروپایی‌ها آن را کاسپس می‌نامند از اسم مردمان بومی غرب ایران که نه (کاس سو) موسوم بوده‌اند اس اسم در جمع (کاسپ) یا (کسپ) می‌شده جغرافیون غرب کاسپین را (قرس) کرده‌اند

جایز نبود و عرایض به شخص معینی داده می‌شد این شاه از ۷۰۸ یا به قولی از ۷۰۱ الی ۶۵۵ ق. م سلطت و در این مدّت مدید همّ خود را به جمع‌آوری و متحد کردن طوایف ماد مصروف نمود از حوشحتی او سلطان آسور سیّاحریب در نابل و عیلام گرفتار بود و چون مملکت ماد ناح خود را مرتناً به آسور می‌پرداخت بهانه‌ای هم برای دحالت آسوری‌ها در ماد طاهرأ و خود نداشت

فُرُوزْتِش

فُرُوزْتِش (۶۵۵-۶۳۳ ق م) یا فرأرتس یونانی‌ها بعد از پدر نه تحت نشست و سیاست او را که حفظ مناسبات حوب نا آسور بود دنبال کرد ولیکن از طرف مشرق نه مرور مردمان دیگر را که از نژاد آریایی بوده و نا مادی‌ها قرانت داشتند مطیع خود نمود و پارس هم در این زمان مطیع ماد گشت بعد از چندی مادی‌ها نه واسطه پیشرفت‌های خود در مشرق حواستند از قید آسور خلاصی یاسد و ناح ندهند ولیکن سپاه چریکی آنها در مقابل قشون مشق کرده آسور که در حگک نا عیلام بیشتر ورریده شده بود تاب بیاورده شکست خورد و شاه هم کشته شد (۶۳۳ ق م)

هُوُخْ شَتَر

هُوُخْ شَتَر (کیا کسار یونانی‌ها) این شاه از شکست فرور تیش درس عبرت گرفته، دانست که با سپاهیان چریکی که طوایف و مردمان دست‌شانده نه ماد می‌دهد نمی‌توان در مقابل قشون مشق کرده آسور مقاومت نمود این بود که نه ترتیب قشون دائمی پرداخته، پیاده و سواره نظامی مرّتب کرد پیاده نظام مسلّح نه تیر و کمان و شمشیر بود سواره نظام ماد چنان که مورّحین نوشته‌اند بر سواره نظام آسوری از حیث هرمدی برتری داشت ریرا سواران مادی در حال حرکت اسب چه در حین حمله و چه در حال گریز نا کمال مهارت تیر می‌انداختند و اسب‌های مادی از حیث طاقت و بردباری و تدروی و قشگی در عهد قدیم معروف آفاق بودند پس از تهیه چسب قشویی هُوخ شتر نا آسوری‌ها حگیده آنها را نا و خود مقاومت شدید شکست داد و دیری نگذشت که شهر بسوا را محاصره نمود شهر مرور نالاحره نه واسطه گرسگی تسلیم می‌شد ولیکن در این احوال حر تاحت و تار سک‌ها (سیت‌ها)^۱ که از قفقار

فصل اول. شاهان ماد

دِیَاکُو و تأسیس دولت ماد

چنان که هرودوت نوشته شخصی دیوکس^۱ نام پسر فرأرتس که دهقان بود از جهت عدل و انصاف در میان طایفه خود طرف رجوع عامّه شد بدین معنی که مردم مارعات و محاکمات خود را پیش او می‌بردند بعد از چندی او از این کار نه عوان این که نه کارهای شخصی نمی‌تواند نرسد استعما کرد و دردی و اعتشاش نالا گرفت مردم جمع شده او را پادشاه خود کردند و او مستحفظی برای خود معین و محلّی را که موسوم به اکاتان بود برای پایتحت خود انتخاب کرد (در خطوط آسوری آمدانا و در کتیبه‌های هحامشی هگک متان نوشته شده است یعنی محل اجتماع و حالا موسوم نه همدان است) این شهر قبل از دیوکس بیر بوده و سلاطین آسور در قرن دوازدهم ق م اسم آن را برده‌اند^۲ ولیکن این پادشاه رونقی نه آن داد و شهر حدیدی ساخته همت دیوار دور آن کشیده چنان که هر دیواری بر دیگری مشرف و دیوار دروسی آحری بر تمام دیوارها مسلط بود قصر پادشاه را در قلعه هفتمین ساخته بودند برج‌های این قلعه رنگ طلایی داشت و برج‌های سایر دیوارها را نه الوان مختلف رنگ آمیری نموده بودند. چسب رنگ آمیری در نابل علامت سیارات سعه^۳ ولیکن در این حا فقط تقلید بود دیوکس نه تقلید دربار آسور مراسمی برای پذیرایی قرار داد مثلاً روبرو شدن نا پادشاه

۱ بعضی تصور می‌کنند که این شخص همان دیاکو است که سارگن دوم ذکر کرده ریرا دو سال بعد از تبعید او نه شامات آسوری‌ها ولایت همدان را «بیت دیاوکو» یعنی خانه دیاوکو نامیده‌اند ساراین عقیده دارند که او امارتی داشته و همدان پایتحت آن بوده

۲ ساراین همدان شهر سه‌هزار ساله است و شاید از این حیث میان شهرهای معمور عالم نظیر نداشته باشد
۳ ستارات همت‌گانه نه عقده قدما این‌ها بودند قمر، عطارد، ره‌ره، شمس، مریخ، مشتری و رُحل نه پارسی ماه، تر، ناهید، مهر، بهرام، هرمز، کیوان

۱. سب فراسوی شده سکث است و ابرانی‌های قدیم آن را سکا یا سکّ می‌نامدند یونانی‌ها این‌ها را (سکلت) Scolote بیر نامیده‌اند

مادی‌ها در حالی که پیش می‌رفتند به دولت لیدی که در این زمان قوی شده بود برخوردند و طولی نکشید که نا آنها داخل جنگ شدند

لیدیّه

لیدیّه مملکتی بود در طرف غربی آسیای صغیر که در این زمان حدّ شمالی آن دریای سیاه و دریای مرمره و حدّ جنوبی آن دریای معرب بود از سمت معرب به بحر الحرایر و از طرف مشرق به رود هالیس (قرن ایرماق حالیه) می‌رسید لیدی‌ها را سابقاً از نژاد سامی می‌دانستند ولیکن حالا محقق شده که نه از این نژاد بودند و نه آریایی نژاد آنها معلوم نیست مگر آن که هیئت علمیّه امریکایی که در سارد مشغول حفاریات است این مسئله را روشن کند نه هر حال محقق است که در قرن دهم و نهم ق م مردمانی که موسوم به فریگی‌ها بوده و نا یونانی‌ها قرابت نژادی داشتند از طرف تراکیّه^۱ به این مملکت هجوم آورده بر بومی‌ها استیلا یافتند بعد در ایحا سلسله‌ای از پادشاهان موسوم به هراکلی‌ها^۲ (یا هرقلی‌ها) برقرار شد و فریگی‌ها نا بومی‌ها محلول شدند از این زمان لیدیّه قوت یافت و سلسله‌ای بعد از هراکلی‌ها در ایحا تأسیس گردید که موسوم به میزماذ شد نانی آن ژینگ^۳ نامی بود که دولت لیدی را قوی کرد و کیمری‌ها^۴ را که از طرف شمال و شمال شرقی به مملکت لیدیّه تجاوز می‌نمودند بعد از جنگ‌های طولانی شکست داده از مملکت براند (۶۶۷ ق م) در زمان آلیات^۵ (۶۱۲-۵۶۳) لیدیّه به اعلی درجه ترقی خود رسید چه این پادشاه به تاحت و تار سکاها حاتمه داد و یونانی‌ها را که کنار دریا و رودخانه‌ها را اشغال کرده مانع از تجارت بودند معلوم و دو شهر بزرگ ارمیر و کلوپون^۶ را به لیدیّه صمیمه نمود این مملکت از جهت موقع جغرافیایی خود بین آسور و نابل و فیقیّه از یک طرف و ممالک غربی از طرف دیگر و بزرگ جهت بردیکی به دریاها یکی از ممالک پرجمعیت و نا ثروت عالم قدیم گردید لیدی‌ها اگرچه مردم حسگی و سلحشور بودند ولی سواره‌نظام بسیار خوبی داشتند زیرا به واسطه مردان حسگی یونانی و سپاهیان احیر که بزرگ عالماً یونانی بودند سواره‌نظام لیدی مشق کرده و ورزیده و سرآمد سواره‌نظام‌های آن زمان بود چنین بود احوال لیدیّه وقتی که هوروشتر بهانه‌ای برای جنگ

گذشته به شمال ماد آمده بودند به هوروشتر رسید و او محور شد محاصره بیوا را موقوف کرده برای حفظ ماد به مملکت خود مراجعت و از سک‌ها جلوگیری کند در شمال دریاچه ارومیه جنگ سختی نا آنها نمود شکست خورد و محور شد شرایط آنها را بپذیرد پس از آن مملکت ماد و ممالک محاور معرب تاحت و تار سک‌ها واقع شدند و تاحت و تار آنها به طوری که نوشته‌اند تا دریای معرب امتداد یافت بیست و هشت سال سک‌ها در ماد بودند تا این که هوروشتر پادشاه و سرکردگان آنها را میهمان و مست کرده بالتّمام نکشت و بعدها سکاها را از ایران براند (۶۱۵ ق م) در این اوان سویولاش ساز حاکم آسور در نابل ادعای سلطنت نمود و نا هوروشتر متحد شده بیوا را محاصره کردند پادشاه آسور ساراگوش چون دید مقاومت نتیجه ندارد آتشی روشن کرده خود و خانواده‌اش را در آن سوخت و این شهر نامی و معروف عهد قدیم که یکی از بزرگ‌ترین شهرهای عالم محسوب می‌شد تسحیر و چنان ریز و ریز شد که از آن شهر حر حراهایی باقی نماند (۶۰۶ ق م) پس از آن متحدین ممالک آسور را چنین تقسیم کردند مستملکات آسور در آسیای صغیر بهره دولت ماد شد و شامات و فلسطین حر و نابل گردید بعد نحت‌النصر مصری‌ها را که از گرفتاری آسور استفاده کرده این دو مملکت را اشغال کرده بودند از آنجا براند اتحاد ماد نا نابل بعد از سقوط بیوا قطع شد بلکه شاه ماد نا دادن دختر خود به نحت‌النصر ولیعهد دولت نابل این اتحاد را تشدید کرد انقراض آسور نه این رودی بعد از قدرتی که در زمان آسور نانی پال شان داد باعث حیرت است درست چهل سال بعد از آن که دولت عیلام را از صفحه رورگار محو کرد خود بزرگ و چنان فراموش شد که دو قرن بعد وقتی که سپاهیان یونانی به سرکردگی کرونون از کالاه و بیوا می‌گذشتند راهمایان آنها محل این دو پایتخت نامی دولت قوی آسور را لاریسا و میسپی لا نامیدند چه به خاطر آنها حطور نمی‌کرده که در این جاها وقتی سر نوشت ملل و دول حل و عقد می‌شد جهت این فراموشی معلوم است اگرچه مصری‌ها و نابل‌ها هم در موقع فتح سست به معلوبین سقا ک و بی‌رحم بودند ولیکن نابل قوانین و علوم و صنایع برای مللی که بعد آمدند گذاشت و مصر بناهایی کرد که امروز هم ایستاده و باعث حیرت است اما آسور نا داشتن صنایعی دولتی بود سع و عار نگر که حر حرانی و نحت‌النصر و اسارت نه ملل تابعه چیری نداد این بود که اقوام و ملل نا شرف اهدام آن را تلقی و رود گذشته‌های محنت حیر آن را فراموش نمودند ناری مادی‌ها به سهولت ارمسان و کاپادوکیّه را که در مشرق آسیای صغیر واقع است تصرف نمودند چه این ممالک از تاحت و تار سکاها به کلی ضعیف شده بودند بعد

1 Thrace

2 Héraclides

3 Giges

4 Cimmérines بعضی کیمری‌ها را مردم آریایی دانسه‌اند

5 Alyattes